



## روزنامه نگاران و آموزش مدنی

مهرماه امسال شاهد برپایی نخستین کارگاه آموزشی نحوه انتقال مؤلفه‌های زندگی مدنی به شهروندان از طریق روزنامه نگاران در تهران بودیم که با همت و پیشنهاد کمیسیون ملی یونسکو در ایران و سازمان علمی - فرهنگی - تربیتی ملل متحد (یونسکو) به مدت چهار روز برگزار شد. گزارش مشروح این دوره را در صفحات پایانی این شماره می‌خوانید، اما نظر به اهمیت این امر یعنی آموزش رفتار مدنی به شهروندان، در این بخش نیز به مروری کوتاه برکم و کیف تحقق این ضرورت و آثار و نتایج آن می‌پردازیم.

نخستین سؤالی که ممکن است به ذهن بیاید این است که منظور از آموزش‌های مدنی چیست و چه مواردی را در برمی‌گیرد؟ پرسش دوم، اما به دنبال یافتن این پاسخ است که رسانه‌های جمعی و روزنامه نگاران چگونه می‌توانند در زمینه آموزش‌های مدنی به شهروندان ایفای مسؤلیت و نقش کنند.

در پاسخ به نخستین پرسش می‌توان گفت: مراد از آموزش‌های مدنی آن دسته از گفتارها و رفتارهای منطقی و اصولی است که از یک سو بخشی از دستاورد تمدنی بشر تلقی می‌شود و از سوی دیگر می‌تواند ضامن به بارنشستن حقوق و ارزش‌های عام انسانی از جمله ارزش‌هایی چون صلح، دموکراسی، حقوق بشر، توسعه اجتماعی، آزادی (در جلوه‌های مختلف آن)، عدم پذیرش استبداد و عدم تعدی به حقوق مردم، قانون‌گرایی، حفظ کرامت انسان و... باشد که می‌بایست هم از سوی مردم در روابط فردی و اجتماعی و هم از سوی حکومت در ارتباط با شهروندان رعایت شود. اما در مورد نقش رسانه‌ها و روزنامه نگاران در انتقال این آموزه‌ها، نیاز به تکرار نیست که رسانه‌های همگانی در کنار نظام رسمی آموزش و پرورش که نقش اصلی در آموزش و تربیت افراد به ویژه از خردسالی را به عهده دارد به عنوان وسایل «آموزش موازی» شناخته می‌شوند و امروز حتی در برخی موارد ادعا می‌شود که فرد در طول زندگی، بخش عمده آموزه‌های خود را در زمینه‌های مختلف، به ویژه اطلاعات عمومی و اصول مربوط به رفتارهای اجتماعی و تکالیف شهروندی از طریق رسانه‌های همگانی فرا می‌گیرد و نظام رسمی آموزش و پرورش به لحاظ کمی سهم پایین‌تری در این زمینه دارد. اما...

الف: نظام رسمی آموزش و پرورش از آنجا که از دوران طفولیت که هنوز شخصیت کودکان شکل نگرفته با آحاد مردم اعم از شهری و روستایی سروکار دارد و نوعی پذیرش ناخودآگاه - در کنار پذیرش اجباری - را نسبت به آموزه‌های خود در فرد ایجاد می‌کند بی‌تردید نقشی بنیادی و غیرقابل انکار در آموزش اصول رفتارهای مدنی و زندگی جمعی و حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی دارد. بنابراین تا زمانی که نظام آموزش رسمی چنین آموزه‌هایی را در متن کتاب‌های درسی و در قالب مباحث علمی نگنجاند و تا زمانی که آموزگاران به این مهم مبادرت نورزند و این آموزه‌ها، ملکه ذهن افراد از کودکی نشود نمی‌توان به مدنی شدن افراد در بزرگسالی چندان خوشبین بود.

ب: اما رسانه‌ها و روزنامه نگاران چگونه می‌توانند به این پروژه ملی یاری رسانند؟

شرط اول به گمان ما این است که روزنامه نگاران، خود به آموزه‌های مدنی آگاهی، باور و ایمان داشته و به رفتار و اخلاق برآمده از این آموزه‌ها، متخلق باشند، شرط دوم آن است که رسانه‌های ما اعم از مطبوعات، رادیو، تلویزیون و... به عنوان محصول توسعه و نیز عامل آن، چنین وظیفه‌ای برای خود قائل باشند و با ارزش‌های مدنی از در ستیزه و مقابله برنیایند و بر رفتارها، گفتارها و باورهای غیرمدنی، صحنه نگذارند، و بالاخره شرط سوم آنکه، روزنامه نگاران چگونگی و راه‌های بهینه انتقال آموزه‌های مدنی به شهروندان را فراگیرند و بدانند که چگونه می‌توانند و باید بر سطوح و لایه‌های مختلف اجتماعی تأثیر بگذارند. آنها می‌توانند ندای وجدان آحاد مردم باشند و به عنوان ناظران هوشیار، قبح تخطی از این اصول و حسن توجه به آنها را مدام به طور غیرمستقیم و در قالب‌های جذاب و مؤثر، گوشزد و یادآوری کنند و همگان را در قبال نقض معیارهای رفتار مدنی، حساس نمایند. اگر معیار اخلاقی بودن رفتار حرفه‌ای روزنامه نگاران را تقویت درک متقابل میان مطبوعات و مردم بدانیم وظیفه حرفه‌ای و اخلاقی روزنامه نگاران اقتضا می‌کند که این درک متقابل را در زمینه رفتارهای مدنی شهروندان، ارتقا دهند. آشنا کردن مردم با حقوق و مسؤلیت‌های اجتماعی‌شان، فراهم آوردن زمینه برخورد آرا و عقاید و عرضه نوآوری‌ها و ارزش‌های نوین سیاسی و اجتماعی، خدمت به اصل آزادی اطلاعات و عقاید، شناخت عقاید مختلف و احترام گذاشتن به آنها و نشر آنها، تحکیم استقلال و امنیت ملی و ترسیم خطوط و مرزهای آن با توجه به جغرافیای زمان و مکان، احترام به مقام و ارزش انسانی، احترام به قانون و فراهم کردن زمینه رشد و تقویت نهادهای مدنی از جمله زمینه‌هایی است که روزنامه نگاران می‌توانند در آنها به ایفای نقش و مسؤلیت بپردازند.

و در پایان بار دیگر براین نکته تأکید می‌ورزیم که همگرایی نظام آموزش و پرورش و نظام رسانه‌ای و نیز هماهنگی رسانه‌ها با یکدیگر می‌تواند سرعت و تأثیر انتقال این آموزه‌ها را مضاعف کند. سه سال پس از طرح جدی ایده جامعه مدنی، شاید طبیعی‌ترین انتظار، تجدیدنظر در کتاب‌های درسی و هماهنگ ساختن محتوای آنها با ایده مزبور و نیز تحرک سنجیده و آگاهانه رسانه‌ها و روزنامه نگاران در این عرصه بوده است. آیا کاری کارستان کرده‌ایم؟